

## طراحی و آزمون مدلی برای تحلیل سیستم توسعه ورزش کارگری کشور

حجت پهلوانی یلی<sup>۱</sup>، رحیم رضانی نژاد<sup>۲\*</sup>، مهدی نادری نسب<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

ص ص: ۲۷۹-۲۵۷

هدف از این پژوهش طراحی و آزمون مدلی برای تحلیل سیستم توسعه ورزش کارگری کشور بود. این تحقیق از نظر نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق را مدیران، کارشناسان و مربیان حوزه ورزش کارگری کشور تشکیل دادند. نمونه آماری به تعداد قابل کفایت جهت آزمون مدل در نرم افزار اسمارت پی ال اس انتخاب شد (۱۵۳ نفر). روش نمونه گیری از نوع قضاوتی و هدفمند بود. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته‌ای مشتمل بر ۹۹ سوال و ۱۹ متغیر در مقیاس ۵ گزینه لیکرت می باشد. اعتبارسنجی پژوهش با استفاده از روش روایی محتوایی (۱۱ صاحب نظر)، پایایی (آلفای کرونباخ) و روایی سازه (برازش مدل) ارزیابی و تأیید گردید. مدل مفهومی شامل شش سطح با متغیرهای زیر مجموعه آن‌ها بود: سطح زمینه (حامیان اجتماعی و ظرفیت‌های محیطی)، سطح ساختار (نهادهای متولی، قابلیت راهبردی اجرایی و تقسیم کار میان بخشی و فرابخشی)، سطح قابلیت (نوآوری و تنوع-بخشی در ورزش کارگری، سیستم دانش و فناوری، تأمین و مدیریت منابع انسانی، تأمین و مدیریت منابع فیزیکی و تأمین و مدیریت منابع مالی)، سطح فرایند (رویدادهای ورزشی، نیازسنجی ورزشی، فرهنگسازی ورزش، آموزش همگانی ورزش و خدمات ورزشی به کارگران)، سطح عملکرد (قابلیت ورزشی کارگران، دستاورد ورزشی کارگران و مشارکت ورزشی کارگران) و سطح پیامد (توسعه پایدار

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین [h.pahlavan87@gmail.com](mailto:h.pahlavan87@gmail.com)

[rhamzani@yahoo.com](mailto:rhamzani@yahoo.com)

۲. استاد مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان

۳. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین [naderinasab@yahoo.com](mailto:naderinasab@yahoo.com)

ورزش کارگری). نتایج مدل‌سازی نشان داد که روابط بین تمامی متغیرهای مدل معنی‌دار است و مدل ازبرازش مناسب برخوردار است. براساس مدل می‌توان گفت که توسعه ورزش کارگری در بستر عوامل زمینه‌ای، از طریق کارآمدسازی ساختاری، ارتقا و بکارگیری قابلیت‌ها، یکپارچه‌سازی فرایندها و اثربخش‌سازی عملکرد منجر به توسعه پایدار می‌شود.

**واژه های کلیدی:** مدیریت راهبردی، توسعه ورزش، الگوی توسعه، ورزش کارگران.

## Designing and Testing a Model for Analyzing the Worker Sport Development System

Hojat pahlavan<sup>1</sup>, Rahim Ramezani Nezhad<sup>2\*</sup>, Mehdi Naderinasab<sup>3</sup>

### Abstract

The purpose of this study was to design and test a model for analyzing the development of workers' sport system in Iran. This research was a descriptive-correlational. The statistical population consisted of managers, experts and trainers in the field of workers' sport. The statistical sample was adequately selected to test the model in the PLS software (n=153- purposeful sampling). The research tool is a researcher-made questionnaire with 99 questions and 19 variables on a 5-point Likert scale. Content validity (11 experts), reliability (Cronbach's alpha), and construct validity (model fitting) were evaluated and validated. The conceptual model consisted of six levels with their subset variables: Field level (social support and environmental capacity), Structure level (trustee institutions, strategic executive capability, and division of work across sectors and sub-divisions), Ability level (innovation and diversification in worker sport, knowledge and technology system, human resource management and supply, physical resource management and financing, and financial management and management), Process level (sporting events, sporting needs assessment, sports acculturation, general sport training and sports services to workers), Performance level (workers' athletic ability, workers' athletic achievement and workers' sport participation) and the level of outcome (sustainable development of worker sport). The modeling results showed that the

---

1 Ph.D. Student of Sport Management, Islamic Azad University, ghazvin branch

[h.pahlavan87@gmail.com](mailto:h.pahlavan87@gmail.com)

2 Professor of Sport Management, Guilan University, Rasht, Iran

Corresponding Author\*: [raramzani@yahoo.com](mailto:raramzani@yahoo.com)

3. Assistant Professor of Sport Management, Ghazvin Branch, Islamic Azad University, Ghazvin, Iran [naderinasab@yahoo.com](mailto:naderinasab@yahoo.com)

relationships among all the variables of the model were significant, and the model fit. Based on the model it can be said that the development of worker sport in the context of contextual factors, through structural improvement, Upgrading and deploying capabilities, Process Integration and performance effectiveness leads to sustainable development.

**Keywords:** Strategic Management, Sport Development, Development Pattern, Worker Sport.

## مقدمه

ورزش یک جریان و بستر نهادی است که تربیت نسل سالم، غنی‌سازی گردشگری و اوقات فراغت مردم، کسب غرور ملی و افتخار بین‌المللی، زیبایی و آراستگی جسمی، سلامت و تندرستی عمومی، ترویج اخلاق و مشارکت اجتماعی و پویایی اقتصادی را برای جوامع فراهم می‌کند. هر چند پژوهش‌های مکرری اثرات مفید و پایدار جسمانی و روانی ورزش را در اقشار مختلف به اثبات رسانده‌اند و شواهد علمی و تجربی بسیاری درباره منافع شناخته شده فعالیت بدنی و مشارکت ورزشی مشاهده شده است؛ اما هنوز هم گزارش‌های سطح کشور نشان‌دهنده درصد بالای افراد غیرفعال به ویژه در اقشار دارای مشاغل سخت و رفاه کم است. با وجود اثبات این کارکردهای عدیده ورزش در سطح جهانی، اما در ایران و استان‌های آن هنوز ورزش به مثابه ضرورت و اقدام اساسی در توسعه انگاشته نمی‌شود (صفاری، ۱۳۹۱). بنابراین نیاز به مداخلات برای تغییر در سبک زندگی شهروندان و خانواده‌ها به ویژه کارگران وجود دارد. از طرفی دیگر مقوله مشارکت ورزشی بسیار تغییرپذیر و پویاست و همزمان با تغییرات محیطی نیاز به بررسی و ارائه اطلاعات برای مدیریت و توسعه آن دارد. علاوه بر این مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه ورزش کارگری نیازمند آگاهی از ساختار محیط زندگی شهری و پایش مستمر آن می‌باشد زیرا سطح مشارکت افراد در ورزش و سطح برنامه‌های ورزشی در هر جامعه بسیار متنوع است.

ورزش کارگری یکی از بخش‌های ورزش کشور است که با وجود ضرورت‌های فراوان توسعه ورزش آن اما جزو بخش محروم و کمتر برخوردار محسوب می‌شود (سند ورزش وزارت کار، ۱۳۹۵)، از این رو ورزش کارگری نیازمند مطالعه و برنامه‌ریزی راهبردی می‌باشد.

هدف از تحلیل و برنامه‌ریزی مدیریت و توسعه، اقدام به آینده‌نگری است تا با اتکا به مدل‌های علمی، بتوان آینده‌های محتمل را به آینده‌های ممکن، مرجح و مطلوب تبدیل نمود (فریمن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). فراهم آوردن زمینه تحلیل سیستمی و راهبردی در ورزش کارگری؛ گام عمده و آغازین برای سامان بخشیدن به تلاش‌های گسترده و گوناگون در ورزش کارگران کشور محسوب می‌شود. بر اساس این دیدگاه و با اتکا به تفکر سیستمی و کل‌نگر، چنانچه ورزش کارگری به عنوان یک نظام و سیستم و در درون سیستم‌های بزرگ‌تری همچون نهاد نظام اشتغال و نظام ورزش کشور در نظر گرفته شود، عملکرد مدیریت آن، همزمان از عوامل مختلف درونی و بیرونی تأثیر می‌پذیرد. شناسایی و مدل‌سازی این عوامل

می‌تواند پیچیدگی مدیریت این سیستم (ورزش کارگری) و عملکرد آن را ساده‌تر نموده و امکان تفکر نظام‌مندتری را فراهم می‌آورد.

تحلیل و برنامه‌ریزی توسعه ورزش دارای پیچیدگی و گستردگی بالایی است زیرا توسعه جریانی است که در خود تجدید و دگرگونی کل ابعاد سیستم را به همراه دارد و علاوه بر این بهبود و رشد کمی و کیفی در سازه‌ها، فرایندها و رفتارها را در بر دارد (منافی و همکاران، ۱۳۹۴). براساس جمع‌بندی تعریف‌هایی که از توسعه ورزش در منابع مختلف انجام شده است می‌توان گفت توسعه ورزش مشتمل بر ساختارها، بسترها و فرآیندهایی است که منجر به مشارکت افراد در رویدادهای ورزشی، رشد و بهبود تولید و خدمات صنعت ورزش، پویایی و نشاط فرهنگی و اجتماعی محیط‌های ورزشی، ارتقای سلامت و تندرستی عمومی و دستیابی به جایگاه مناسب در عرصه رقابت‌های ورزشی بین‌المللی می‌گردد. رویه‌های کلی در مدل‌های توسعه ورزش بر سه سطح ورزش پرورشی و آموزشی، تفریحی و همگانی و رقابتی و قهرمانی متمرکز هستند. ورزش کارگری به مجموعه‌ای نهادها (ادارات امور ورزشی در وزارت کار، فدراسیون و هیات‌های ورزش کارگری، مجموعه‌های ورزش کارگری)، نقش‌ها (مدیران، کارکنان، مربیان، کارگران مشارکت‌کننده و سایر)، فعالیت‌ها و رویدادها (آموزشی، تفریحی، رقابتی) و ساختارها (برنامه‌ها، اسناد، سیستم مدیریت، و سایر) اشاره دارد (سند توسعه ورزش کارگری، ۱۳۹۵). ورزش کارگری، ورزشی است با رویکردی سلامت محور، که قصد دارد با ایجاد انگیزه‌های مثبت ورزشی، تا حد توان میزان مشارکت کارگران را در فعالیت‌های ورزشی ارتقاء داده تا از این طریق سطح نشاط و شادابی نیروی کار و تولید کشور را ترقی دهد و موجبات تحقق یک جامعه پویا، سالم و با نشاط که پیش نیاز توسعه و پیشرفت است را رقم بزند.

جهت فراهم‌سازی بستر بیان و تبیین بهتر مسله پژوهش ابتدا به مرور مطالعات پیشین در زمینه موضوع پژوهش اقدام شد. در ابتدا تحقیقاتی که به صورت اختصاصی در زمینه مدیریت و توسعه ورزش کارگری صورت گرفت. مکفی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط بین ورزش همگانی و نشاط و بهره‌وری کارگران (اردبیل) رابطه معنی‌داری وجود دارد. شورای ورزش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵) در تدوین برنامه راهبردی توسعه ورزش کارگری به تحلیل سوات این حوزه از ورزش پرداخت. نتایج نشان داد که موقعیت استراتژیک SO برای ورزش کارگری است. میرزازاده (۱۳۹۵) نشان داد که موانع ادراک شده با انگیزه مشارکت ورزشی کارگران شهرستان قوچان رابطه معنی‌داری دارد. نیکبخش و حاجی پور مهدی (۱۳۹۵) در بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری‌های جدید در ورزش کارگران نشان داد که معیارهای مدل TAM نقش مهمی در میزان کاربرد فناوری در ورزش

کارگران دارد. مرغزار (۱۳۹۵) در بررسی رابطه موانع ادراک شده با انگیزه مشارکت ورزشی کارگران شهرستان قوچان نشان داد که ارتباط موانع ادراک شده (کمبود انرژی، ضعف در انگیزه و اراده فردی، ضعف در مهارت‌های ورزشی، کمبود در تجهیزات و امکانات ورزشی، کمبود حمایت‌های اجتماعی، کمبود در وقت و زمان و ترس از آسیب اجتماعی) با انگیزش مشارکت ورزشی کارگران شهرستان قوچان رابطه معنی داری وجود دارد. حری (۱۳۸۹) در بررسی اثر برنامه ریزی ورزشی در اوقات فراغت بر سلامت روان شناختی کارگران مشاغل سخت گزارش کرد که برنامه بر اکثر شاخص‌های سلامت روان اثر معنی‌داری دارد.

برخی تحقیقات کلان هم در کشور انجام شده‌اند که مشمول ورزش کارگری نیز می‌شوند یا در یافته‌های خود به ورزش کارگری نیز پرداخته‌اند. بنار و همکاران (۱۳۹۷) در تحلیل منظرهای توسعه مشارکت ورزشی در استان گیلان گزارش کردند یکی از اقبال بزرگ نیازمند خدمات ورزشی کارگران و کارمندان هستند. سجادی (۱۳۹۷) در آسیب شناسی ساختاری ورزش کشور، یکی از بخش‌های نیازمند تغییر ساختار را ورزش کارگری معرفی کرده است. در سند گزارش مطالعات برنامه ششم توسعه وزارت ورزش (۱۳۹۶) ورزش کارگران نیز به عنوان یکی از حوزه‌های تخصصی در ورزش کشور، بیشتر با رویکرد حمایتی (ماده‌ها، راهبردها، و سایر) پرداخته شده و متولی اصلی آن وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معرفی شده است که نیازمند تغییراتی در سیستم اجرایی می‌باشد. تحقیقات زیادی هم به ارائه مدل در ورزش همگانی پرداخته‌اند (منافی، ۱۳۹۴؛ صفاری، ۱۳۹۱؛ ۹۰، خطیب‌زاده، ۱۳۹۵؛ ۵۲، مجیدی، ۱۳۹۶؛ ۴۷، بنار و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۴۴، صفاری و لطیفی فرد، ۱۳۹۷؛ ۹۱ و سایر) که قابل تعمیم و پوشش دهنده ورزش کارگری نیز می‌توانند باشند.

در خارج از کشور نیز مطالعات راهبردی در حوزه ورزش انجام شده است. ماورین<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در بررسی نقش پدر در فراغت خانواده و الگوهای ورزشی عنوان کرد ورزش یک بافت فرهنگی غالب در اوقات فراغت است و پدران می‌توانند در تفریحات ورزشی بیشتر از تفریحات غیر ورزشی هویت پدری خود را ابراز کنند. ابیویه<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۳)، نشان دادند که کمپین‌های ورزشی نقش قابل توجهی در بهبود مشارکت ورزشی و فعالیت بدنی در بزرگسالان شاغل دارند. لنارتویچ<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) در بررسی کارکردهای ورزش در خانواده‌های طبقات پایین جامعه گزارش کرد که مشارکت ورزشی با غنی‌سازی اوقات فراغت و

1. Maureen  
2. Abioye, et al.  
3 Lenartowicz

اجتماعی شدن خانواده‌ها ارتباط معنی‌داری دارد. برا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در تحقیقی خود نشان داد که شبکه های اجتماعی فرصت هایی را نصیب بخش کمتر برخوردار جامعه قرار داده است تا بتوانند به سواد حرکتی دسترسی داشته باشند. دی گریس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی نقش ورزش در توسعه پایدار گزارش کرد که کارکردهای ورزش در شاخص‌های سلامت کار و مشارکت اجتماعی مردم و اقشار کمتر مرفه نقش معنی‌داری دارد. هادج<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی زندگی مبتنی بر ورزش و فعالیت‌بدنی گزارش کردند که کارکردهای فعالیت‌بدنی در زندگی روزمره و کار دارای برخی تفاوت‌های مشخص نیز هستند. رس<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) در بررسی فرهنگ سلامت مبتنی بر فعالیت بدنی در خانواده‌های طبقات پایین نشان داد که ادراک والدین از فعالیت بدنی در و همسویی فرهنگ خانواده و فرهنگ سلامت بیشترین تاثیر را در این زمینه دارد. بیل و دنیل<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) در بررسی نقش رویدادهای ورزشی در توسعه نشان داد که در اجتماعات محروم این رویدادها به مشارکت ورزشی به توزیع عادلانه کمک می‌کند. اسپولنکوف و سیفکن<sup>۶</sup> (۲۰۱۹) در بررسی فرایند ورزش برای توسعه گزارش کرد که دامنه کارکردهای ورزش و فعالیت‌بدنی باید علاوه بر اوقات فراغت در زمینه کار، پرورش و بالینی توسعه یابد.

مرور مطالعات انجام شده نشان داد که مطالعات حوزه مدیریت و توسعه ورزش کارگری کشور محدود بوده است. این در حالی است که حدود ۲۰ میلیون کارگر در کشور وجود دارد و ورزش می‌تواند نقش مهمی در ارتقای سلامت و غنی‌سازی اوقات فراغت آن‌ها ایفا کند. ورزش همگانی در محیط‌های کار و کارگری و در بین نیروهای کار همت گمارده و از این رهگذر موجبات سلامتی، شادابی و نشاط نیروهای کار و همین طور ارتقای بهره‌وری و کارایی و رشد و رونق تولید و اقتصاد ملی را موجب گردد (سند برنامه توسعه ورزش کارگری، ۱۳۹۵). از این رو ضرورت دارد تا ابتدا همه عوامل تعیین کننده در توسعه ورزش کارگری شناسایی و چارچوب‌بندی شوند. سپس با دستیابی به یک مدل علمی ابزارهای برای تفکر استراتژیک و تحلیل راهبردی فراهم نمایند. شواهد نشان می‌دهد که بخش ورزش کارگری با چالش‌های اساسی از جمله بی جهت بودن روند توسعه و بی ارتباط بودن آن با ویژگی‌های ذاتی این حوزه رو به رو است. از سوی دیگر وابستگی بسیاری از ابعاد این بخش از ورزش به محیط بیرونی موجب ضعف بخش رویدادهای ورزشی و عدم رشد مشارکت ورزشی کارگران است. بنابراین این یک مسأله و

1 Berra et al.

2 de Grace

3 Hodge et al.

4. Ross

5 Bell, B., & Daniels, J. E.

6 Schulenkorf, N., & Siefken, K.



ضرورت اساسی جهت بازنگری در رویکردها و برنامه‌های توسعه در حوزه ورزش کارگری است. از این رو براساس مبانی بیان شده؛ هدف از طرح تحقیقاتی حاضر؛ طراحی چارچوب علمی و اجرایی توسعه ورزش کارگری در کشور بود.

ضرورت پژوهش را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد. از منظر اول قابل توجه است که گزارش‌های ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد که شاخص‌های سلامت و نشاط در جامعه ایرانی در وضعیت نامناسبی قرار دارد و ایران جزو کشورهای توسعه نیافته از این منظر محسوب می‌شود. در عین حال گرایش به سبک زندگی کم تحرک و غیر فعال، تفریحات نامناسب و مجازی و مصرف کالاهای غیراستاندارد بهداشتی بالا گزارش شده است. در این میان، مشکلات اقتصادی مختلف و پرفشار مردم نیز با این معضلات همراه شده است و مسئله سلامت، نشاط، فراغت در زندگی و کار در اقصا کمتر برخوردار و طبقات غیرمرفه کشور بحرانی شده است. در این میان فعالیت ورزشی به عنوان یک راهکار جهت ارتقای سلامت و نشاط به ویژه در اوقات فراغت در سطح جهان پذیرفته شده و کاربرد محوری دارد. اما در ایران سرانه مشارکت ورزشی پایین (کمتر از ۲۰ درصد) و عمده برنامه‌های توسعه ورزش همگانی تا کنون موفقیت قابل توجهی نداشته‌اند (گزارش بخش ورزش در برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶؛ ۶۶). مسائلی مانند محدودیت‌های ورزش بانوان و جایگاه ضعیف ورزش در سبد خانوار سبب شده است تا ورزش به عنوان یک الگوی تفریحی و فراغت در سبک مصرف کارگران ایرانی جایگاه مناسبی نداشته باشد. از این رو می‌توان از ترویج فرهنگ ورزش کارگری به یک راه حل راهبردی و بسیار ضروری جهت توسعه ورزش شهروندی و همگانی نام برد.

از منظر روش‌شناختی نیز می‌توان گفت مبانی اصلی دانش در هر حوزه‌ای بر پایه مدل‌های شناسایی شده مناسب و نه یافته‌های جزئی و پراکنده قرار دارد و داده‌ها در قالب مدل می‌توانند کشف، تبیین و تفسیر شوند (صفاری، ۱۳۹۱). بنابراین مدل‌سازی ابعاد سیستم توسعه ورزش کارگری نمی‌تواند روابط بین این عوامل را به‌طور کامل توضیح دهد، اما درک مکانیسم‌های اساسی آن را آسان‌تر می‌کند. فقدان مدل‌های قابل اتکا و دارای مصادق عینی در توسعه ورزش کارگری محقق را برآن داشت تا با اتکا بر نظرات کارشناسان مجرب، مدل ساختاری برای تحلیل و تفکر راهبردی توسعه ورزش کارگری را ارائه بدهد. هدف این است که مدل ارائه شده بتواند به خوبی ظرفیت ابعاد مختلف اثرگذار بر توسعه ورزش پایدار ورزش کارگری را نشان دهد و در حد خود قادر به تبیین کارکرد ساخت‌های اساسی آن باشد.

مدل مفهومی پژوهش مستخرج از بخش کیفی پژوهش (اکتشافی نظام‌مند) است و شامل شش سطح با متغیرهای زیر مجموعه آن‌ها بود: سطح زمینه (حامیان اجتماعی و ظرفیت‌های محیطی)، سطح ساختار

(نهادهای متولی، قابلیت راهبردی اجرایی و تقسیم کار میان بخشی و فرابخشی)، سطح قابلیت (نوآوری و تنوع بخشی در ورزش کارگری، سیستم دانش و فناوری، تأمین و مدیریت منابع انسانی، تأمین و مدیریت منابع فیزیکی و تأمین و مدیریت منابع مالی)، سطح فرایند (رویدادهای ورزشی، نیازسنجی ورزشی، فرهنگسازی ورزش، آموزش همگانی ورزش و خدمات ورزشی به کارگران)، سطح عملکرد (قابلیت ورزشی کارگران، دستاورد ورزشی کارگران و مشارکت ورزشی کارگران) و سطح پیامد (توسعه پایدار ورزش کارگری).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (مستخرج از بخش کیفی)

## روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر نوع توصیفی- همبستگی، از نظر هدف کاربردی، از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها میدانی بود. جامعه آماری این تحقیق را تمامی مدیران، کارشناسان و مربیان شاغل در تشکیلات ورزش کارگری کشور تشکیل دادند. برای نمونه‌گیری همه مراکز ورزش کارگری به مثابه یک سیستم جامع در نظر گرفته شد. نمونه آماری به تعداد قابل کیفیت جهت آزمون مدل در محیط نرم‌افزار اسمارت پی

ال اس<sup>۱</sup> انتخاب شد. مبنای تعیین نمونه براساس ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد سوالات مربوط به متغیر دارای بیشترین تعداد سوال اصلی در مدل می‌باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵). از این رو برای متغیر مدیریت منابع مالی (۸ سوال) مبنای ۲۰ برابر در نظر گرفته شد و تعداد نمونه ۱۶۰ نفر برآورد گردید (۲۰\*۸=۱۶۰). نمونه آماری به روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند از کلیه اداره کل امور ورزشی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ادارات استانی و سازمان‌های تابعه، فدراسیون ورزش کارگری و هیات‌های استانی و مجموعه‌های ورزش کارگری کشور انجام گردید. از بین ۱۸۰ پرسشنامه توزیع شده (الکترونیکی، ایمیلی، حضوری، و ...) ۱۶۲ پرسشنامه دریافت شد که از بین آن‌ها ۱۵۳ پرسشنامه به طور کامل پاسخ داده شده بودند و مورد تحلیل قرار گرفتند. مشخصات فردی پاسخ دهندگان شامل: میانگین سنی ۳۸/۴۷، سابقه شغلی مرتبط ۱۳/۷۵، نسبت جنسیت ۲۶ درصد زن و ۷۴ درصد مرد، نسبت شغلی ۴۲ درصد مدیران، ۲۳ درصد کارشناسان و ۳۵ درصد مربیان، نسبت تحصیلات ۰/۳۶ کارشناسی، ۰/۴۸ کارشناسی ارشد و ۰/۱۶ دکتری بود. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه مستخرج از بخش کیفی پژوهش (اکتشافی نظامند: مطالعه نظری ۴۸ سند و ۱۸ مصاحبه) بود. پرسشنامه شامل ۱۹ متغیر در ۹۹ سوال با مقیاس ۵ گزینه لیکرت (کم-زیاد) تنظیم و اعتبارسنجی گردید. روایی ابزار پژوهش از طریق روایی محتوایی (۱۰ صاحب‌نظر: ۵ استاد مدیریت ورزشی و ۵ مدیر)، پایایی (ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۸۸=کل) و روایی سازه (شاخص‌های برازش مدل که در بخش یافته‌ها گزارش شده است) ارزیابی و تأیید گردید. با توجه به ساختار پیچیده مدل، توزیع غیرنرمال عمده متغیرها و نوع تحلیل پیش فرض محقق برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از نرم افزار اسمارت پی ال اس استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

در ابتدا آمار توصیفی شامل معیارهای مرگزی میانگین و همچنین معیار پراکندگی انحراف معیار برای متغیرهای پرسشنامه‌های مورد بررسی آورده شده است؛ که عامل رویدادهای ورزش کارگری دارای بیشترین میانگین (۴/۲۵) می‌باشد و آموزش همگانی ورزش به کارگران دارای کمترین میانگین (۳/۹۵) می‌باشد.

جدول ۲. توصیف متغیرهای پژوهش

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار
ظرفیت‌های محیطی	۴/۰۶	۰/۶۴	مدیریت منابع انسانی	۴/۱۵	۰/۵۸	خدمات ورزشی	۴/۰۱	۰/۶۰
حامیان اجتماعی	۴/۰۷	۰/۶۱	امکانات و منابع	۴/۱۱	۰/۵۸	قابلیت ورزشی	۴/۰۶	۰/۵۹
نهادهای متولی	۴/۲۰	۰/۵۸	دانش و فناوری	۴/۱۷	۰/۵۵	مشارکت ورزشی	۴/۱۴	۰/۵۹
قابلیت راهبردی	۴/۰۷	۰/۶۸	آموزش همگانی	۳/۹۵	۰/۶۴	رویدادهای ورزش	۴/۲۵	۰/۶۹
تقسیم کار بخشی	۴/۰۲	۰/۶۴	فرهنگسازی ورزش	۴/۰۶	۰/۵۹	اهداف و دستاورد	۴/۰۱	۰/۶۰
نیازسنجی ورزشی	۳/۹۸	۰/۷۴	نوآوری و تنوع‌بخشی	۴/۲۲	۰/۶۹	توسعه پایدار	۴/۰۶	۰/۶۴
منابع مالی	۴/۰۳	۰/۶۶						

نتایج بخش مدل‌سازی معادلات ساختاری شامل سه دو بخش برازش مدل و آزمون روابط متغیرهای مدل ساختاری می‌باشد.

**الف) روایی مدل اندازه‌گیری:** جهت سنجش برازش مدل اندازه‌گیری؛ از پایایی شاخص، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده گردید. پایایی شاخص برای سنجش پایایی درونی، شامل سه معیار ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی است. بارهای عاملی همه سنجه‌ها در سازه مربوط به خود بالاتر از ۰/۴ بود (به جز چهار سوال که حذف شدند). روایی همگرا میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان داده و روایی واگرا نیز میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه با رابطه آن سازه با سایر سازه‌هاست. روایی همگرا با استفاده از معیار متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) ارزیابی می‌-

شود که میزان مطلوب آن مساوی و بالاتر از ۰/۵ است و برای مدل این پژوهش در همه شاخص‌ها مطلوب بود. جهت بررسی روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری، از دو ماتریس روایی همبستگی متغیر لاتنت و معیار فروئل و لاکر استفاده شد و مدل مورد تایید قرار گرفت. پایایی ترکیبی (CR) برتری‌هایی نسبت به روش آلفای کرونباخ دارد زیرا پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر و بار عاملی محاسبه می‌گردد. تمامی متغیرها دارای مقدار آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ و پایایی ترکیبی بالای ۰/۸۰ بودند که نشان‌دهنده این است که مدل دارای پایایی (چه از نظر آلفای کرونباخ و چه از لحاظ پایایی ترکیبی) مناسبی است.

**ب) برازش مدل ساختاری:** با استفاده از معیارهای ضریب معنادار (T-values)، ضریب تعیین (R2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q2)، برازش مدل ساختاری، مورد ارزیابی قرار گرفت. اکثر مسیرهای روابط بین مؤلفه‌های پژوهش و همچنین گویه‌ها با هریک از عامل‌های خود بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و معنی‌دار بودند، که حاکی از پیش‌بینی صحیح روابط مدل پژوهشی است. R2 نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. مقدار R2 تنها برای سازه‌های درون‌زای (وابسته) مدل، محاسبه می‌گردد و در مورد سازه‌های برون‌زا، مقدار این معیار صفر است. در این پژوهش میزان R2 تمامی متغیرهای پژوهش بسیار بالاتر از ۰/۳۳ و در محدوده ۰/۶۷ یا بزرگ‌تر از آن بود و این بدین معنی است که مدل ساختاری پژوهش دارای برازش قوی است. معیار Q2 قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. براساس خروجی نرم افزار در این پژوهش قدرت پیش‌بینی اکثر سازه‌ها به غیر از ۸ مورد دارای شدت بزرگ‌تر از ۰/۳۵ است. براساس توضیحات مذکور تمامی شاخص‌های برازش مدل مطابق جدول ۳ مطلوب ارزیابی گردید.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل

Co...	Q <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	CR	AVE	ابعاد	Co...	Q <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	CR	AVE	ابعاد
۰/۷۰	۰/۳۵	۰/۱۵	۰/۸۲	۰/۶۹	آموزش همگانی	۰/۶۰	۰/۳۸	برون-زا	۰/۸۰	۰/۵۲	ظرفیت‌های محیطی
۰/۵۹	۰/۴۵	۰/۱۸	۰/۸۴	۰/۵۹	فرهنگسازی ورزش	۰/۵۸	۰/۴۷	ب ز	۰/۸۶	۰/۵۹	حامیان اجتماعی
۰/۵۷	۰/۴۸	۰/۲۱	۰/۸۵	۰/۵۹	نوآوری و	۰/۵۵	۰/۴۸	ب ز	۰/۸۸	۰/۵۹	نهادهای

متولی					تنوع بخشی						
قابلیت راهبردی	۰/۵۶	۰/۱۸۶	ب ز	۰/۲۳	۰/۵۵	خدمات ورزشی	۰/۶۱	۰/۱۸۰	۰/۳۸	۰/۴۱	۰/۵۸
تقسیم کار بخشی	۰/۶۲	۰/۱۸۱	۰/۴۳	۰/۳۶	۰/۷۳	قابلیت ورزشی	۰/۵۱	۰/۱۸۵	۰/۶۳	۰/۵۵	۰/۶۱
نیازسنجی ورزشی	۰/۵۶	۰/۱۸۶	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۶۶	مشارکت ورزشی	۰/۶۳	۰/۱۸۷	۰/۶۳	۰/۴۹	۰/۵۵
مدیریت مالی	۰/۵۱	۰/۱۸۷	۰/۲۸	۰/۳۵	۰/۶۸	رویدادهای ورزش	۰/۵۳	۰/۱۸۷	۰/۵۴	۰/۳۹	۰/۵۶
منابع انسانی	۰/۶۸	۰/۱۸۷	۰/۱۸	۰/۳۹	۰/۷۳	اهداف و دستاورد	۰/۵۴	۰/۱۸۴	۰/۳۹	۰/۳۳	۰/۵۹
امکانات و منابع	۰/۵۷	۰/۹۳	۰/۱۸	۰/۳۶	۰/۶۵	توسعه پایدار ورزش	۰/۵۴	۰/۱۸۱	۰/۴۳	۰/۲۹	۰/۶۶
دانش و فناوری	۰/۶۹	۰/۱۸۸	۰/۳۵	۰/۴۲	۰/۷۱						

برازش مدل کلی با استفاده از معیار  $GOF^1$  محاسبه خواهد شد. مقادیر به دست آمده می تواند با سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ در سه سطح ضعیف، متوسط و قوی تقسیم بندی شوند. به منظور توضیح در رابطه با اجزای فرمول فوق، باید اذعان کرد که نشانه میانگین اشتراکی هر سازه<sup>۲</sup> می باشد که برای بررسی برازش بخش مدل اندازه گیری مدل به کار گرفته می شود و برای ارزیابی کیفیت مدل های اندازه گیری از این معیار استفاده می شود. بدین ترتیب  $GOF$  برای مدل پژوهش به صورت زیر محاسبه گردید.

$$برازش کلی قوی = \sqrt{0/62 \times 0/36} = 47 \text{ } GOF = \sqrt{\text{communalities} \times \bar{R}}$$

1 Goodness Of Fit

2 communalities

با توجه به آن که معیار نامبرده برابر ۰/۴۷ می‌باشد، و برازش کلی مدل در حد "بسیار قوی" مورد تأیید قرار می‌گیرد.

با توجه به نتایج جدول ۴-۱۳ و شکل ۴-۵، تمامی ضرایب معنی‌داری  $t$  از ۱/۶/۹ بزرگ‌تر هستند که این امر معنی‌دار بودن تمامی سؤالات و روابط میان متغیرها را در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌سازد. بر اساس تحلیل مسیر مشخص شد که متغیرهای ظرفیت‌های محیطی (۰/۸۸)، حامیان اجتماعی (۰/۴۴)، نهادهای متولی (۰/۵۱)، تقسیم کار میان بخشی (۰/۷۷) به‌طور مستقیم اثر معناداری بر قابلیت‌های راهبردی و اجرایی دارد. قابلیت‌های راهبردی و اجرایی به ترتیب با ضرایب ۰/۶۳، ۰/۵۳، ۰/۴۳، ۰/۴۳، ۰/۵۹، ۰/۳۹، ۰/۴۳، ۰/۴۵ و ۰/۶۲ به‌طور مستقیم اثر معناداری بر نیازسنجی ورزشی، فرهنگسازی ورزش، آموزش همگانی، خدمات ورزشی، نوآوری و تنوع‌بخشی، دانش و فناوری، منابع انسانی، منابع فیزیکی و مدیریت مالی دارد. متغیرهای نیازسنجی ورزشی، فرهنگسازی ورزش، آموزش همگانی، خدمات ورزشی به ترتیب با ضرایب ۰/۴۴، ۰/۷۷، ۰/۵۲ و ۰/۳۵ به‌طور مستقیم اثر معناداری بر قابلیت ورزشی کارگران دارد. متغیرهای نوآوری و تنوع‌بخشی، دانش و فناوری، منابع انسانی، منابع فیزیکی و مدیریت مالی به ترتیب با ضرایب ۰/۷۴، ۰/۳۵، ۰/۸۱، ۰/۷۱ و ۰/۵۳ به‌طور مستقیم اثر معناداری بر رویدادهای ورزش کارگری دارند. متغیر قابلیت ورزشی کارگران به‌طور مستقیم اثر معناداری بر مشارکت ورزشی (۰/۷۷) و اهداف و دستاورد (۰/۴۵) دارد. متغیر مشارکت ورزشی نیز به‌طور مستقیم اثر معناداری بر اهداف و دستاورد (۰/۷۲) و توسعه پایدار (۰/۸۲) دارد. متغیر رویدادهای ورزشی کارگری نیز به‌طور مستقیم اثر معناداری بر مشارکت ورزشی کارگران (۰/۵۶) و توسعه پایدار (۰/۵۳) دارد در نهایت. متغیر اهداف و دستاورد به‌طور مستقیم اثر معناداری بر توسعه پایدار (۰/۳۷) دارد.

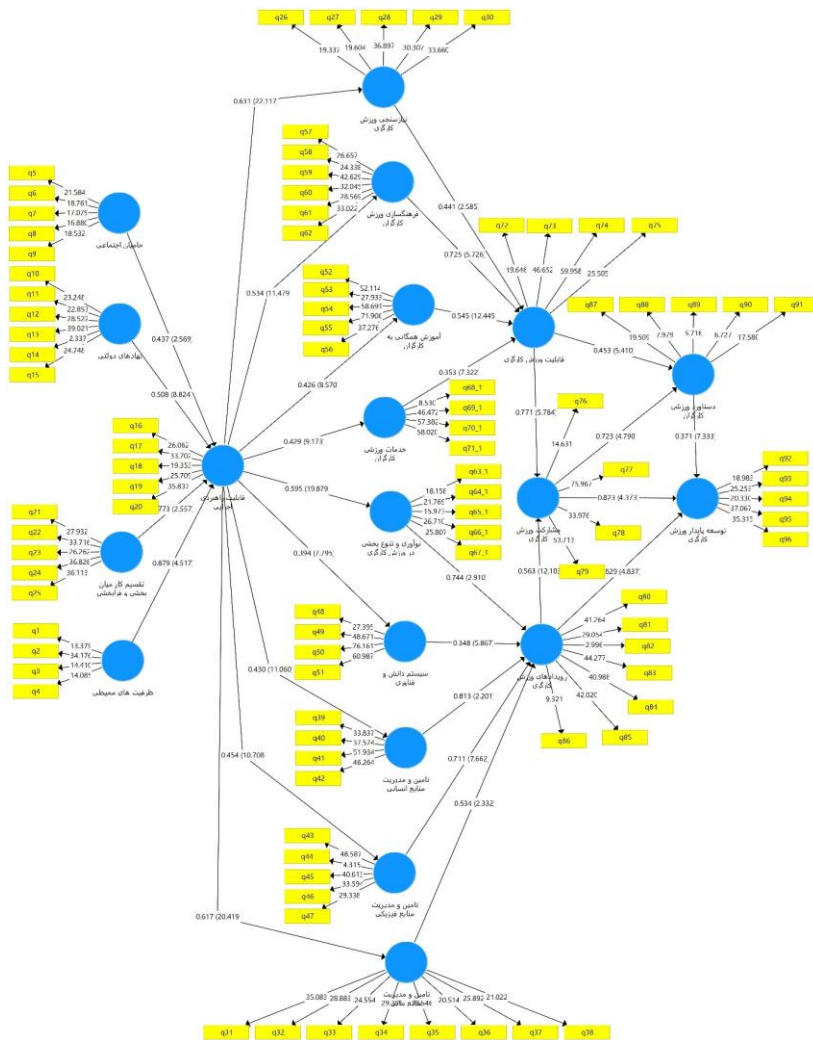
جدول ۴-۱۳. نتایج فرضیه اصلی آزمون مدل نهایی پژوهش

روابط هر یک از عامل‌های اصلی با یکدیگر	ضریب مسیر	آماره تی	نتیجه
ظرفیت‌های محیطی < قابلیت‌های راهبردی و اجرایی	۰/۸۸	۴/۵۲	تایید
حامیان اجتماعی < قابلیت‌های راهبردی و اجرایی	۰/۴۴	۲/۵۷	تایید
نهادهای متولی < قابلیت‌های راهبردی و اجرایی	۰/۵۱	۸/۸۲	تایید
تقسیم کار میان بخشی < قابلیت‌های راهبردی و اجرایی	۰/۷۷	۲/۵۶	تایید
قابلیت‌های راهبردی و اجرایی < نیازسنجی ورزشی کارگران	۰/۶۳	۲۲/۱۲	تایید

تایید	۱۱/۴۸	۰/۵۳	قابلیت‌های راهبردی و اجرایی -> فرهنگسازی ورزش در کارگران
تایید	۸/۵۷	۰/۴۳	قابلیت‌های راهبردی و اجرایی -> آموزش همگانی ورزش به کارگران
تایید	۹/۱۷	۰/۴۳	قابلیت‌های راهبردی و اجرایی -> خدمات ورزشی
تایید	۱۹/۸۸	۰/۵۹	قابلیت‌های راهبردی و اجرایی -> نوآوری و تنوع‌بخشی ورزشی
تایید	۷/۷۹	۰/۳۹	قابلیت‌های راهبردی و اجرایی -> سیستم دانش و فناوری
تایید	۱۱/۰۶	۰/۴۳	قابلیت‌های راهبردی و اجرایی -> تأمین و مدیریت منابع انسانی
تایید	۱۰/۷۱	۰/۴۵	قابلیت‌های راهبردی و اجرایی -> تأمین و مدیریت منابع فیزیکی
تایید	۲۰/۴۲	۰/۶۲	قابلیت‌های راهبردی و اجرایی -> تأمین و مدیریت منابع مالی
تایید	۲/۵۸	۰/۴۴	نیازسنجی ورزشی کارگران -> قابلیت ورزشی کارگران
تایید	۵/۷۲	۰/۷۲	فرهنگسازی ورزش در کارگران -> قابلیت ورزشی کارگران
تایید	۱۲/۴۴	۰/۵۴	آموزش همگانی ورزش -> قابلیت ورزشی کارگران
تایید	۷/۳۲	۰/۳۵	خدمات ورزشی -> قابلیت ورزشی کارگران
تایید	۲/۹۱	۰/۷۴	نوآوری و تنوع‌بخشی ورزشی -> رویدادهای ورزش
تایید	۵/۸۷	۰/۳۵	سیستم دانش و فناوری -> رویدادهای ورزش
تایید	۲/۲۰	۰/۸۱	تأمین و مدیریت منابع انسانی -> رویدادهای ورزش
تایید	۷/۶۶	۰/۷۱	تأمین و مدیریت منابع فیزیکی -> رویدادهای ورزش
تایید	۲/۳۳	۰/۵۳	تأمین و مدیریت منابع مالی -> رویدادهای ورزش
تایید	۵/۷۸	۰/۷۷	قابلیت ورزشی کارگران -> مشارکت ورزشی کارگران
تایید	۵/۴۱	۰/۴۵	قابلیت ورزشی کارگران -> اهداف و دستاورد
تایید	۴/۷۹	۰/۷۲	مشارکت ورزشی کارگران -> اهداف و دستاورد



تایید	۴/۳۷	۰/۸۲	مشارکت ورزشی کارگران -> توسعه پایدار
تایید	۱۲/۱۸	۰/۵۶	رویدادهای ورزش کارگری -> مشارکت ورزشی کارگران
تایید	۴/۸۴	۰/۵۳	رویدادهای ورزش کارگری -> توسعه پایدار
تایید	۷/۳۳	۰/۳۷	اهداف و دستاورد -> توسعه پایدار



شکل ۴-۵. میزان ضریب اثر و ضریب معناداری (T-values) مدل نهایی پژوهش

## بحث و نتیجه‌گیری

مدل پژوهش شامل ۱۹ متغیر دارای روابط بین معنی‌دار و برازش مطلوب بود. مدل شامل شش سطح با متغیرهای زیر مجموعه آنها بود: سطح زمینه در دو بُعد حامیان اجتماعی و ظرفیت‌های محیطی تعریف گردید. سطح ساختار نیز شامل نهادهای متولی، قابلیت راهبردی اجرایی و تقسیم کار میان بخشی و فرباختی است. در سطح قابلیت ابعاد نوآوری و تنوع‌بخشی در ورزش کارگری، سیستم دانش و فناوری، تأمین و مدیریت منابع انسانی، تأمین و مدیریت منابع فیزیکی و تأمین و مدیریت منابع مالی شناسایی شدند. در سطح فرایند نیز منظرهای رویدادهای ورزشی، نیازسنجی ورزشی، فرهنگسازی ورزش، آموزش همگانی ورزش و خدمات ورزشی به کارگران تعریف گردیدند. همچنین سطح عملکرد سه بُعد قابلیت ورزشی کارگران، دستاورد ورزشی کارگران و مشارکت ورزشی کارگران را در بر می‌گیرد. در نهایت سطح پیامد شامل مولفه‌های توسعه پایدار ورزش کارگری بود. جریان کلی مدل شامل روابط بین سطوح به صورت متغیرهای زمینه‌ای، ساختاری، قابلیت‌ی، فرایندی، عملکردی و پیامدی است. روابط تعریف شده در سطح متغیرها که در محیط نرم افزار و براساس داده‌های پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت. این منظرهای و روابط بین آنها با منظرهای معرفی شده در مدل ورزش همگانی صفاری (۱۳۹۱)، الگوی عمومی سه شاخگی (ساختاری، محیطی، رفتاری)، مدل فعالیت ورزشی خطیب زاده (۱۳۹۵)، مدل صفاری و لطیفی‌فرد (۱۳۹۷) و مدل مشارکت ورزشی بنار و همکاران (۱۳۹۷)، دارای انطباق و همسویی است. این تحقیقات نظم موجود در مدل این پژوهش و تقدم و تأخر متغیرها را مورد تایید قرار می‌دهند. در تبیین کلیات مدل و روابط بین متغیرها، همچنین به صورت کلی می‌توان گفت از آنجا که مشارکت ورزشی کارگران یک بخشی از فراغت آنها است بنابراین عوامل فردی و رفتاری به طور مستقیم تعیین کننده هستند و عوامل محیطی در نهایت باید بتوانند این عوامل مولفه‌های فردی را نسبت به فعالیت ورزشی سوق دهند (بنار و همکاران، ۱۳۹۷).

متغیرهای ظرفیت‌های محیطی، تقسیم کار میان بخشی، نهادهای متولی و حامیان اجتماعی بر قابلیت‌های راهبردی و اجرایی اثر معنی‌داری داشتند. در برنامه راهبردی توسعه ورزش کارگری (۱۳۹۵) عمده مولفه‌های راهبردی از نوع علوم ساختاری و فرایندی بودند که تعیین کننده موقعیت استراتژی می‌باشند. تحقیقات نشان داده‌اند که عواملی محیطی ورزش زمینه مشارکت ورزشی هستند و در طول زمان بر سایر عوامل اثر می‌گذارند (مجیدی، ۱۳۹۶). اکوسیستم به مثابه ظرفی است که سایر عناصر در آن جریان دارند. از این رو هر چه عوامل موجود در اکوسیستم و محیط (نهادهای و ...) بیشتر بتوانند به

مولفه‌های مدیریتی و اجرایی پیوند ایجاد کنند بیشتر می‌توانند زمینه‌ساز مشارکت ورزشی کارگران باشند. در این میان مدیریت مسئولیت مداخله مثبت و سازنده در الگوهای رایج فعالیت ورزشی افراد بر عهده دارد و نقش عوامل محیطی و ساختاری در عملکرد و نتایج تعدیل می‌کند (بنار و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۴۴). مدیریت ورزش با بهبود در فرآیندهای مشارکت می‌تواند مشارکت عمومی را برانگیزاند و تسهیل کننده مشارکت کارگران باشد. بنابراین می‌توان گفت قابلیت‌های محیطی و ساختاری موجب می‌شوند که کارگران براساس بستر و امکانات موجود از بین رشته‌های ورزشی مختلف؛ مواردی را برگزینند و به مشارکت ورزشی بپردازد.

قابلیت‌های راهبردی از طریق متغیرهای نیازسنجی ورزشی، مدیریت مالی، نوآوری و تنوع‌بخشی، فرهنگسازی ورزش، آموزش همگانی، خدمات ورزشی، منابع انسانی، دانش و فناوری، منابع فیزیکی بر قابلیت ورزشی کارگران و رویدادهای ورزش کارگری اثرگذار بودند. عمده تحقیقات، مشارکت ورزشی را وابسته به وضعیت معیشتی، محیط اجتماعی و اقتصادی با میانجی‌های رفتاری و مدیریتی دیگر دانسته‌اند (سوجیاما، ۲۰۱۲؛ ۱۲۴). برخی تحقیقات پیشین تایید کننده این روابط هستند. نیکبخش و حاجی پور (۱۳۹۵) پذیرش فناوری‌های جدید در ورزش کارگران نشان داد. مرغزار (۱۳۹۵) نشان داد که ضعف در انگیزه و اراده فردی، مهارت‌های ورزشی، تجهیزات و امکانات ورزشی، حمایت‌های اجتماعی با انگیزه ورزشی کارگران ارتباط دارد.

متغیرهای قابلیت ورزشی کارگران و رویداد ورزشی نیز از طریق مشارکت ورزشی و اهداف و دستاورد ورزشی بر توسعه پایدار ورزش کارگری اثر گذار بود. برخی شواهد علمی در ورزش کارگری کشور تایید کنند این روابط هستند. برای مثال مکفی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط بین ورزش همگانی و نشاط و بهره‌وری کارگران (اردبیل) رابطه معنی‌داری وجود دارد. میرزازاده (۱۳۹۵) نشان داد که موانع ادراک شده با انگیزه مشارکت ورزشی کارگران شهرستان قوچان رابطه معنی‌داری دارد. حری (۱۳۸۹) اوقات فراغت مبتنی بر ورزش بر سلامت روان شناختی کارگران اثر معنی‌داری دارد. فعالیت ورزشی مستمر همراه با نهادینه شدن اثرات آن به طور اعم و اخص مشارکت ورزشی را شکل می‌دهد (دلمان و لویس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ ۳۲۰) ادامه مشارکت در ورزش از طریق مسیر بازخورد مشخص و تعدیل خواهد شد (نامراتو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ ۱۴). لنارتویچ (۲۰۱۶) کارکردهای ورزش در

1. Sugiyama
2. Dollman & Lewis
3. Numerato

خانواده‌های طبقات پایین جامعه را غنی‌سازی اوقات فراغت و اجتماعی شدن خانواده‌ها می‌داند. اسپچولنکوف و سیفکن (۲۰۱۹) در بررسی فرایند ورزش برای توسعه گزارش کرد سبک زندگی سالم و متحرک نقش محوری در این زمینه دارد. هادج و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی زندگی مبتنی بر ورزش و فعالیت‌بدنی گزارش کردند که کارکردهای فعالیت‌بدنی در زندگی روزمره و کار دارای برخی تفاوت‌های مشخص نیز هستند. از آنجا که مشارکت ورزشی، کارکردهای بیشتر و هزینه‌ها و عوارض کمتری نسبت به اکثر تفریحات دارد به نظر می‌رسد پایین بودن سرانه مشارکت ورزشی کارگران در کشور عمدتاً به دلیل عدم آگاهی مناسب و نبود فرهنگ ورزشی مناسب باشد. هدف افراد از مشارکت در هر فعالیتی کسب دستاوردها و مزایای مورد انتظار است و میزان دستیابی به آن‌ها میزان تداوم مشارکت را تعیین می‌کند. کارکردهای ورزش نیز همانند مزایای مشارکت در ورزش چند بعدی هستند اما عمدتاً فراتر از سطح فردی هستند. در فرهنگ فراغت ایرانیان به چندبعدی بودن فعالیت‌های فراغتی بسیار اهمیت داده می‌شود، از این رو فعالیت ورزشی باید بیش از یک کارکرد ارزشمند و ملموس برای شهروندان فراهم کند تا در سبد خرید و مصرف تفریحی آن‌ها جزو ترجیحات باشد. توسعه پایدار ورزش همگانی را نوعی مداخله اجتماعی می‌داند که شهروندان به دنبال ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت ورزشی است و هدفی برای تمام طول عمر و دوران زندگی اعضای آن می‌باشد. در واقع ورزش در نزد بسیاری از شهروندان جامعه فی نفسه فعالیتی ارزشمند، مثبت و مفید ارزیابی می‌شود و هر شهروندی ممکن است برای مدتی کوتاه (چندبار) به فعالیت ورزشی روی بیاورد اما این هدف اصلی توسعه مشارکت ورزشی شهروندان نیست، بلکه فعالیت ورزشی مستمر همراه با نهادینه شدن اثرات آن به طور اعم و اخص مشارکت ورزشی را شکل می‌دهد. براساس مدل عوامل اثرگذار نهایتاً از طریق عوامل مشارکت و قابلیت منجر به توسعه ورزش کارگری می‌شوند، بنابراین مشارکت ورزشی کارگران پیامد واکنش عوامل مبتنی بر زمینه ساختاری محیطی می‌باشد.

به صورت کلی سیستم توسعه ورزش کارگری یک سیستم پویا و فرابخشی بوده و نیازمند پیروی از زنجیره تحلیل عوامل بررسی شده در مدل پژوهش است. توسعه ورزش کارگری در بستر عوامل زمینه- ای، از طریق کارآمدسازی ساختاری، ارتقا و بکارگیری قابلیت‌ها، یکپارچه‌سازی فرایندها و اثربخش‌سازی عملکرد منجر به توسعه پایدار می‌شود. براساس سیستم تحلیل شده می‌توان گفت اداره کل امور ورزشی و فدراسیون ورزش‌های کارگری همچون موتور محرکه و عملیاتی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید بکوشد تا فراتر از سنوات گذشته در تحقق مسئولیت‌های سازمانی خود در قبال کارگران وارد عمل شده و اثرات محسوسی را در ارائه خدمات ورزشی به جامعه هدف بر جای بگذارد. اداره کل امور ورزشی

به عنوان بخش برنامه ریز و سیاست گذار و فدراسیون ورزش کارگری به عنوان بخش اجرایی این پیکره توانمند، بایستی با یک تحول استراتژیک موثر به ارتقای همگرایی عملیاتی بین دو بخش ادارات و فدراسیون و هیات‌ها همت نمایند.

در ارتباط با کاربرست مدل پژوهش نیز می‌توان گفت که برپایه مدل طراحی شده می‌توان ورزش کارگری را تجزیه و تحلیل کرد و به نوعی دسته بندی جدید دست یافت که مبتنی بر مطالعات پیشین، تجارب مدیران و ادراک متخصصان است؛ این مدل، می‌توان چارچوبی مناسب و بومی برای مطالعات در این حوزه باشد و به عنوان مقدمه‌ای به منظور فراگیر شدن ورزش در بین کارگران می‌تواند مبنای عمل قرار بگیرد. همچنین مدل ترسیم شده شناختی جامع از ورزش کارگری برپایه شناسایی عوامل کلیدی و چگونگی تعامل آنها با یکدیگر پدید می‌آورد و می‌تواند مبنای عقلانی توسعه مشارکت ورزشی در بین کارگران در کشور نیز قرار بگیرند. مدل ارائه شده به خوبی می‌تواند ظرفیت ابعاد مختلف در جذب کارگران به سوی ورزش را نشان دهد، قابلیت ارزیابی مستمر را ایجاد کند و روشن سازد که مشارکت کارگران در ورزش از چه عواملی و به چه صورتی اثر می‌پذیرد. براساس یافته‌ها می‌توان گفت دستیابی به سطح مطلوب از توسعه ورزش کارگری نیازمند یک رویکرد مدیریت اکوسیستمی است تا بتواند به طور مناسب همه نهادها و ذینفعان را جهت ایفای نقش فعال و هم‌افزا مشارکت دهد.

## منابع

- بنار، ن.، دستوم، ص.، خان محمدی، م. ع. (۱۳۹۷). تحلیل منظرهای توسعه مشارکت ورزشی در استان گیلان: خدمات، اقشار، عوامل، متولیان، نیازها، چالش‌ها و راهکارها. مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۰(۴۸)، ۳۷-۶۶.
- حری، ل. (۱۳۸۹). اثر برنامه ریزی ورزشی در اوقات فراغت بر سلامت روان شناختی کارگران مشاغل سخت. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران مرکز.
- خبرگزاری کار ایران (۱۳۹۷). گزارش عملکرد ورزش کارگری کشور. وب سایت، کد مطلب: ۶۸۹۸۶۷.
- خطیب زاده، م. (۱۳۹۵). طراحی الگوی مشارکت ورزشی منظم، رساله دکتری دانشگاه مدرس
- داوری، ع.، رضازاده، آ. (۱۳۹۵). مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS، انتشارات جهاددانشگاهی، چاپ سوم.
- سجادی، س. ا.، رضوی، س. م. ح.، دوستی، م. (۱۳۹۷). تدوین مدل آسیب‌شناسی ساختار ورزش ایران. مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۰(۴۷)، ۸۵-۱۰۸.

- شورای ورزش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵). سند توسعه ورزش کارگری ایران، مرکز اسناد و وب سایت اداره کل امور ورزشی.
- صفاری، م.، لطیفی فرد، م. (۱۳۹۷). مدل شهر دوستدار فعالیت بدنی با رویکرد شهرهای فعال، جوامع فعال، شهروندان فعال. مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۰(۴۸)، ۸۹-۱۱۲.
- صفاری، م. (۱۳۹۱). طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی ایران. رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- الماسی مرغزار، م. (۱۳۹۵). رابطه موانع ادراک شده با انگیزه مشارکت ورزشی کارگران شهرستان قوچان. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه بین المللی امام رضا.
- مجیدی، چ. (۱۳۹۶). طراحی الگوی مشارکت ورزشی ماجراجویانه، رساله دکتری دانشگاه خوارزمی
- مکفی، د.، علی امیر پور، م.، مهروی، ع. (۱۳۹۷). ارتباط بین ورزش همگانی و نشاط و بهره وری کارگران، دومین همایش ملی ارتقاء و توسعه ورزش های همگانی استان اردبیل، اردبیل، هیئت ورزش های همگانی استان اردبیل.
- منافی، ف.، رمضانی نژاد، ر.، گوهر رستمی، ح. ر.، پورکیانی، م. (۱۳۹۴). تأثیر عوامل زیرساختی و مدیریتی بر توسعه مشارکت ورزشی در دانشگاه های دولتی ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۴(۹)، ۶۵-۹۰.
- میرزازاده، س. ز. (۱۳۹۵). رابطه موانع ادراک شده با انگیزه مشارکت ورزشی کارگران شهرستان قوچان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام رضا.
- نیک بخش، ر.، حامد حاجی پور، م. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری های جدید در ورزش کارگران بر اساس مدل TAM. اولین همایش ملی یافته های نوین در علوم ورزشی. وزارت ورزش و جوانان (۱۳۹۶). " گزارش برنامه ششم توسعه ورزش و جوانان". مرکز اسناد و وب سایت.
- Abioye, A.; Hajifathalian, K. & Danaei, G. (2016). " Do mass media campaigns improve physical activity? A systematic review and meta-analysis". Archives of Public Health. 1-10.
- Bell, Barbara, and John Daniels. (2018). " Sport development in challenging times: leverage of sport events for legacy in disadvantaged communities". *Managing Sport and Leisure*, 23(4-6), 369-390.
- De Grace, Laurie A., Camilla J. Knight, Wendy M. Rodgers, and Alexander M. Clark (2017). " Exploring the role of sport in the development of substance addiction". *Psychology of Sport and Exercise*, 28, 46-57.

- Dollman., C ., & Lewis, R. (2010). " The impact of socio economic position on sport participation among South Australian youth". *Journal of Science and Medicine in Sport*, 1, 318-322.
- Freeman, R. E. (2010). " Strategic management: A stakeholder approach". Cambridge University Press.
  - Hodge, C. J., Kanters, M. A., Forneris, T., Bocarro, J. N., & Sayre-McCord, R. (2017). " A Family Thing: Positive Youth Development Outcomes of a Sport-Based Life Skills Program". *Journal of Park & Recreation Administration*, 35(1).
  - Lenartowicz, M. (2016). " Family leisure consumption and youth sport socialization in post-communist Poland: A perspective based on Bourdieu's class theory". *International Review for the Sociology of Sport*, 51(2), 219-237.
  - Maureen, H. (2006). " Sport and leisure as contexts for fathering in Australian families". *Leisure Studies*, 25 (2): 165-183.
- Numerato, D. (2009). " The institutionalization of regional public sport policy in the Czech Republic". *International Journal of Sport Policy*, 1(1), 13-30.
  - Ross, S. E. T., Macia, L., Documét, P. I., Escribano, C., Naderi, T. K., & Smith-Tapia, I. (2018). " Latino Parents' Perceptions of Physical Activity and Healthy Eating: At the Intersection of Culture, Family, and Health". *Journal of nutrition education and behavior*, 50(10), 968-976.
  - Schulenkorf, N., & Siefken, K. (2019). " Managing sport-for-development and healthy lifestyles: The sport-for-health model". *Sport Management Review*, 22(1), 96-107.
- Sugiyama, T. (2012). " The built environment and physical activity behaviour change: New directions for research". *Res Exerc Epidemiol*, by the Japanese Association of Exercise Epidemiology, 14(2), 118-124.